

مجلس حضور سیاستمداران  
 در دیدگاه جامعه‌شناسان  
 اعضای انجمن

با شروع فعالیت اولین مجلس شورا در سال ۱۳۵۹، شاهد آغاز روندی هستیم که به موازات سایر تجارب اجتماعی به تمایز دیدگاه‌هایی انجامید که در جریان انقلاب یکسان به نظر می‌آمدند. هر چه تجارب اجتماعی که بیرون از نهادهای جامعه مدرن شکل گرفت، بی مقدمه و خشن و با نتایجی شتابزده و دردناک همراه بود، تجربه مجلس بطئی و آرام شکل گرفت. وحدتی که در جریان انقلاب به چشم می‌خورد به شکل خانمانسوزی در فاصله‌ای کمتر از دو سال به رودرویی خشن گروه‌های مختلف در درون جامعه انجامید و روند تمایزبانی دیدگاه‌های مختلف، خارج از نهادهای قانونی شکل حادثه‌ای ناگوار به خود گرفت. اما در جوار این حادثه روند آرام دیگری را در چارچوب نهادهای قانونی شاهد هستیم. با مطالعه لایحه اعزام دانشجویان به خارج از کشور قصد ما این است که این روند را در مهم‌ترین نهاد سیاسی کشور به بحث بگذاریم. آنجا که اصل قضیه اعزام دانشجویان تقریباً بدون مشکل پذیرفته شد، با طرح مسئله اعزام زنان مجرد مشکل آنچنان سربلند کرد که هیچ یک از دوره‌های مجلس نتوانست از آن فارغ شود.

\*\*\*\*\*

خواست و شعار استقلال در یکی دو سال اول انقلاب عمدتاً معنای قطع رابطه با جهان صنعتی و غربی را داشت. این بینش که با اشغال سفارت آمریکا و به گروگان گرفتن خدمه آن و سپس آغاز جنگ به اوج خود رسید در سایر زمینه‌های اجتماعی و نیز در تصمیمات نیروهای سیاسی حاضر در صحنه



قابل رؤیت است. نمودی از آن را در بحثی که در مجلس شورای اسلامی پیرامون لایحه اعزام دانشجوی صورت گرفت می توان مشاهده کرد. در سی ام اردیبهشت سال ۶۲ لایحه اعزام دانشجویان به خارج از کشور در مجلس شورای اسلامی ارائه شد. پیشنهاد دهنده، یعنی دولت هدف اصلی این لایحه را کمک به ایجاد «کارگردانان و مهره های [دانست] که در آینده با آگاهی و تخصص توأم با تقوا و با دلسوزی ها بتوانند مشاغل آینده را در کشورمان حیات کنند». <sup>۱</sup> کسانی که فعالیت اجرایی داشتند بسی پیش از سایرین دریافتند که شعار استقلال نمی تواند در قطع رابطه کامل با جهان پیشرفته صورت پذیرد. مخبّر کمسیون که نظر دولت را بازگو می کرد بر این عقیده بود که «دانشگاه ها و مؤسسات عالی کشورمان به علت کمبودها در نیروی انسانی و نارسایی هایی که از لحاظ امکانات دارند قادر نیستند . . . دوست و هفتاد هزار مسئول ورزیده، آگاه و صاحب نظر مورد نیاز در برنامه ۵ ساله کشور را . . . برای این مدت کوتاه تأمین کنند و . . . تا حدود هشت، ده سالی نیاز خواهیم داشت که عده ای از دانشجویان را به خارج بفرستیم تا مهارت و تخصص اطلاعاتی به دست بیاورند» <sup>۲</sup> و برای رفع نگرانی کسانی که دلوپس حفظ آبروی جمهوری اسلامی بودند اضافه کرد که «ما در اعزام افراد به خارج از کشور جنبه هایی را در نظر گرفتیم که . . . کسانی که به خارج می روند مؤمن باشند و مؤمن برگردند، مایه حفظ آبروی جمهوری اسلامی باشند نه مایه رسوایی آن، دلی سوخته داشته باشند برای اسلام، انقلاب و مردم و پس از برگشت به کشور در طریق خدمت به مردم باشند نه مخدوم و آقای مردم». <sup>۳</sup> برخی از این جنبه ها حکم عملی داشت مانند اعزام دانشجویانی که «جزو ۲۵٪ اولین گروهی باشند که در ردیف اولین قبولی های دانشگاه قرار داشته باشند، یک عده هم لیسانسیه ها و بالاتر . . . یک دسته هم آنهایی که مستعدند، در کنکور قبول شده اند، شرایط را واجد هستند ولی فقیر هستند و دولت به آنها بورس می دهد تا فقر و محرومیت سبب نشود که اینان . . . از تحصیل باز بمانند» <sup>۴</sup>. نظر دولت در انتخاب رشته های مورد نیاز نیز در زمره همین وجه به حساب می آمد. سایر جنبه ها به پابندی دانشجویان اعزامی به «اسلام و نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی، و ولایت فقیه و تقوای عملی و انجام واجبات و پرهیز از محرمات» <sup>۵</sup> نظر داشت. مخالفین لایحه نیز هم بر جنبه های سیاسی-اقتصادی مسئله اشاره کردند و هم جوانب اخلاقی را گوشزد. برخی یادآور شدند که علوم در هر کشور جدا از سیاست آن نیست و کسانی که به عنوان مثال در شرق یا غرب درس سیاست خارجی بخوانند، سیاست اروپایی، امریکایی یا لنینیستی و مارکسیستی یا چیزهای دیگر <sup>۶</sup> فراخواهند گرفت. دیگر مخالفین یادآور شدند که «نمی توان منکر اصل طبیعی تأثیر انسان از محیط و از آموزش و از استاد و از همنشین شد» <sup>۷</sup> و همه اینها به ضرر این لایحه است. آقای سید حسین موسوی تبریزی در مقام مخالف تأکید کرد که «گروهک ها

آنجا که اصل قضیه اعزام دانشجویان تقریباً بدون مسئله پذیرفته شد، با طرح مسئله اعزام زنان مجرد، مشکل آنچنان سربلند کرد که هیچ یک از دوره های مجلس نتوانست از آن فارغ شود.



کلاً الان مهره‌های باقیمانده‌شان را بیرون می‌کشند و کادر سازی را در بیرون از کشور شروع کردند و ... تاریخ به ما نشان داده است که کلیه فراماسونرها از عواملی بوده‌اند که تحصیل کرده خارج بودند ... [پس] چه لزومی دارد ما قبل از استفاده از امکانات خودمان دست نیاز به سوی ابر قدرت‌ها و بیگانگان دراز کنیم ... ما مواردی را داریم که طرف از اینجا رفته و منافع برگشته است و یا قبلاً تعهدی داشته و بی تفاوت برگشته و یا یک سری افکاری را به ذهنش تزریق کرده‌اند که اینجا آمده و نسبت به نظام جمهوری اسلامی به شک افتاده است<sup>۸</sup>. همین سخنران نگران «فساد اخلاقی است که در خارج از کشور وجود دارد و یک جوانی که هیچ کجا را ندیده فقط برای یاد گرفتن علم و دانش به خارج می‌رود آنجا در محیط آلوده و فساد اخلاقی چطور می‌تواند قبل از احراز تعهد و تقوا و ایمان ... خرویشتن داری کنند»<sup>۹</sup>. خلاصه این که مخالفین بر این نظر بودند که «این لایحه قدم برداشتن در یک تاریکی و در یک ابهام است ... و ما در تاریکی نمی‌توانیم حرکت کنیم»<sup>۱۰</sup>.

بالاخره با اصرار دولت و قول‌های مساعد او مبنی بر تعیین سرپرست برای گروه‌های اعزامی و تشخیص صلاحیت افراد اعزامی و نیز تأکید بر «منطق قوی و عظمت اسلامی بچه‌هایی که شطری از عمرشان در جبهه گذرانده‌اند و اگر به خارج بروند نه تنها تحت تأثیر محیط قرار نخواهند گرفت بلکه محیط را هم تغییر می‌دهند»<sup>۱۱</sup> و نهایتاً یادآوری احتیاج اکید مملکت به متخصص، مجلس در شور اول، کلیات لایحه را در تاریخ سی ام اردیبهشت ۶۲ تصویب کرد. علی‌رغم این تصویب و به خاطر «تغییری که در کمیسیون پیش آمده بود و مخالفتی پیدا کرده بود»<sup>۱۲</sup>، در اول مهر سال ۶۳ بار دیگر لایحه در مجلس به بحث گذاشته شد. هر چند موافقان و مخالفان با صراحت بیشتری استدلال‌های خود را بازگو کردند اما محتوای استدلال‌ها همان بود که هنگام شور اول به میان آمد. بالاخره قرار بر این شد که «بعضی جهات [که باقی مانده‌اند] در شور دوم و در کمیسیون رسیدگی شود»<sup>۱۳</sup> و شور اول لایحه بار دیگر به تصویب رسید! بدین ترتیب سیزده سال از آغاز مملکت بر نگرانی‌های نمایندگان فائق آمد و مسئله اعزام دانشجویان به خارج از کشور، در کلیات آن مورد قبول واقع شد.

اما در همین لحظاتی که به نظر می‌آمد اقلیت و اکثریت، دیدگاه عمومی را پذیرفته‌اند، با طرح تبعیضی که نسبت به زنان مجرد در این قانون روا داشته شده بود، تفاوت دیدگاه دیگری سر بلند کرد. در اولین جلسه‌ای که این لایحه به بحث گذاشته شد علی‌رغم حضور چهار نماینده زن، هیچ کس تبعیضی را که نسبت به زنان اعمال شده بود، ندید. در جلسه دوم یعنی یک سال و نیم بعد، تنها یک صدای مخالف شنیده شد: آقای زمانی دو نوع محدودیتی که در تبصره‌های این لایحه آمده بود یعنی تأهل الزامی دختران و لیسانس بودن متقاضیان را خلاف «قانون اساسی که می‌خواهد از هر گونه حذف آزادی‌ها در جامعه خودداری بشود»<sup>۱۴</sup> دانست. آقای زمانی همچنین یادآور شد که این لایحه خطاب به زنان

چنین قانونی  
درواقع به این  
تناقض  
می‌انجامد که  
برای زن بدون  
داشتن همسر  
هیچ شخصیت  
حقیقی و  
حقوقی قابل  
نباشیم.



می گوید «تو حتماً باید ازدواج کرده باشی، ما که باید زمینه های نفاق با خود و خدای خود و جامعه را بخشکانیم، این فرد را با نفاق به خود و ادار می کنیم، او که برایش موضوع این شده که برود به خارج این جا به هر ازدواجی خواسته یا ناخواسته تحمیلی تن در خواهد داد و خود بر خویشتن تحمیل خواهد کرد و شما فردای جامعه، این دختران به خارج رفته را خواهید دید که با همسران این چنین انتخاب شده تحمیلی شان چگونه درگیر خواهند شد و چه بسا طلاق در آنجا خواهید دید، آبروریزی های دیگر در آنجا مشاهده خواهید کرد».<sup>۱۵</sup>

شور دوم لایحه به دومین دوره مجلس شورای اسلامی موکول شد. در این دوره بود که نمایندگان زن که در دوره اول شاهد بحث ها بودند نقش فعال یافته، به عنوان مخالف تبصره ۱ ماده ۳ این قانون، استدلال های جدی و متعددی را برای رفع تبعیضی که در این تبصره آمده بود، بازگو کردند.

در این تبصره زنان لیسانس و بالاتر ضمن دارا بودن تمامی شرایط مندرج در این قانون، تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می توانند برای تحصیل به خارج اعزام شوند. حال آنکه تأهل شرطی اساسی برای آقایان نبود، البته به منزله اولویت در گزینش به کار می آمد.

در شور دوم هنوز بخش عمده بحث ها بر سر همان مواردی بود که در شور اول مطرح شد. در عین حال شاهد طرح جدی مخالفت هایی با تبصره ۱ ماده ۳ از جانب زنان نماینده هستیم و جالب آن که در همین اولین مخالفت ها، آنچه حقیقتاً نقطه ضعف اساسی این تبصره است یعنی مسئله چگونگی در نظر گرفتن تفاوت بین زن و مرد برای آنکه به تبعیض نیانجامد، آشکار گشت. خانم دستغیب به عنوان اولین سخنران زن یادآور شد که «هیچ فرقی بین زن و مرد نیست چون که... همه فردمی هستند که در حقیقت انسانیت شریک هستند».<sup>۱۶</sup> در پاسخ به خانم دستغیب که برابری زن و مرد را اساس عدل اسلامی دانست آقای عبد خدایی یادآور شد که «تبعیض فوق دارد با اختلاف. تبعیض غلط است ولی اختلاف لازمه هستی است. تبعیض این است که دو نفر با شرایط مساوی باشند از همه جهت، برای یکی امتیازی قائل باشیم، برای دیگری قائل نباشیم ولی اختلاف این است که اصلاً با هم فرق دارند شما نگاه کنید خانم ها را آیا در نظام اسلامی به عنوان سربازی می فرستید؟»<sup>۱۷</sup> در مسئله اعزام دانشجو، آقای عبد خدایی تجسم اختلاف زن و مرد را در درجه آسیب پذیری شان در محیط «فاسد» خارج از کشور می دید: «با همه خصوصیاتش دختر... هر چه متدین باشد در معرض تعرضی بیشتر قرار می گیرد، این را حساب بکنید توی خوابگاه ها باید برود آنجا تک و تنها بدون این که هیچ سرپرستی داشته باشد... چون در معرض تعرض بیشتر ممکن است قرار بگیرد و جنبه آسیب پذیری اش زیادتر است از این جهت ما می گوئیم که در پسر ها اولویت باشد با ازدواج، در خانم ها حتماً با معیت همسرش برود این یک اصل اسلامی و گذشته اخلاقی در سطح جهان است».<sup>۱۸</sup> خانم بهروزی دومین سخنران زن به عنوان مخالف تبصره ۱ یادآور شد که چنین قانونی در واقع به این تناقض می انجامد که «برای زن



بدون داشتن همسر هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی<sup>۱۹</sup> قائل نباشیم. علی‌رغم این تناقض آشکار و یادآوری این مسئله که «وقتی اسلام گفته علم بر مرد و زن واجب است، شرط و شروط نگذاشته است»<sup>۲۰</sup> اکثر نمایندگان در شور دوم نیز لایحه را به همان صورت که بود تصویب کردند.

لایحه تصویب شد اما با نامه‌ای که ۲۰ تن از نمایندگان مجلس در تاریخ ۶۹/۴/۲۶ نوشتند و طی ماده واحده‌ای خواهان اصلاح تبصره ۱ ماده ۳ آن شدند، معلوم شد که بسیاری از نمایندگان حاضر به تن دادن به تبعیض نیستند. دو نماینده از سه نماینده زن به همراهی ۱۸ تن از همکاران مرد خویش در نامه‌ای یادآور شدند که «همانطوری که کشور به متخصصان مرد احتیاج دارد به زن متخصص متعهد نیاز مبرم دارد... بند ۳ و ۴ و ۹ و ۱۴ و اصل سوم قانون اساسی دولت را در برابر مردم به صورت یکسان موظف نموده است»<sup>۲۱</sup>. پس طی ماده واحده‌ای درخواست کردند که تبعیض در تبصره ۱ ماده ۳ قانون حذف شود تا پسران و دختران به صورت مساوی از قانون اعزام دانشجویان بهره‌مند شوند. همزمان با ارسال این نامه، مجله زن‌روژ نیز مصاحبه‌هایی با سه تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور که برای دوره‌های فوق‌لیسانس و دکتری پذیرفته شده بودند ولی به دلیل وجود قانون منع اعزام دختران مجرد به خارج موفق به ادامه تحصیل نگشتند، انجام داد و نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان «به اصلاح این قانون امیدواریم»<sup>۲۲</sup> به چاپ رسانید. برخی از این افراد پس از قبولی در انتخابات با واقعیت تبعیض روبرو شدند، برخی دیگر علی‌رغم آگاهی به این محدودیت در انتخابات شرکت کردند تا «اتمام حجتی کرده باشند و ثابت نمایند... که صرفاً وجود یک تشکر سنتی در رابطه با خانم‌ها باعث شده تا چنین محدودیتی برایشان قائل شوند»<sup>۲۳</sup>. نفر سوم به این واقعیت اشاره کرد که سفر به خارج کشور برای ادامه تحصیل در آنجا برای زنان متأهل بسیار مشکل است و نتیجه گرفت که «اندیشه‌ای وجود داشته که می‌خواست از ارتقاء علمی خانم‌ها و شرکتشان در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری کند. به نظر من برای آن کسانی که این تفکر را به صورت قانون درآورده‌اند، مهم نبوده است که خانمی مجرد باشد یا متأهل. چرا که... برای خانم‌های متأهل نیز قوانین غیر علنی مانع گذاشته‌اند. در نتیجه خانم‌ها از جامعه علمی و اجتماعی حذف می‌شوند»<sup>۲۴</sup>. به این ترتیب هفت سال لازم بود تا تبعیضی که به صورت اعتراض یک نماینده در دوره اول مجلس گوشزد شده بود، به مخالفتی آشکار تبدیل شود.<sup>۲۵</sup>

همان‌طور که دیدیم یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفین اعزام زنان مجرد به خارج از کشور جلوگیری از آسیب دیدن آنان در محیط خارج بود. طراحان اصلاحیه برای خنثی کردن این استدلال و

در عمل اثبات  
شد که آنچه  
تفاوتی در  
دیدگاه‌هایی که  
همگی خود را  
مقید به اسلام  
و قانون  
اساسی  
می‌دانند وجود  
دارد که برای  
یکی، عدم اعزام  
زنان مجرد  
غیرقانونی و  
غیر شرعی  
است حال آنکه  
برای دیگری،  
حفاظت از  
آبروی کشور و  
کیان اسلام.



برای آن که روشن شود که مشکل در جای دیگری است، حداقل سنی را برای زنان مجرد در طرح اصلاحیه خود گنجانند و به مجلس چهارم ارائه کردند. این طرح در روز یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۲ در مجلس به بحث گذاشته شد. در طی این بحث‌ها روشن شد که تفاوت‌های جدی بر سر مفاهیم اساسی همچون «آزادی»، «برابری» و «عدل و انصاف» بین نمایندگان مجلس وجود دارد. در این دور از مبارزه، دیگر موافقان برابری به یکی دو نماینده زن و مرد خلاصه نمی‌شد و بسیاری از سخنرانان بر تحولاتی که در دیدگاه‌ها از سال اول انقلاب پدید آمده بود اشاره کردند و به عنوان مثال یادآور شدند که ایران قطعنامه‌ای را در کنفرانس ریو در برزیل امضاء کرده و متعهد شده است که برای افزایش نقش زنان در امور اجتماعی و کشوری تلاش کند.<sup>۲۶</sup> اگر در شور اول و دوم لایحه هیچ‌یک از نمایندگان در فساد جامعه غرب شکی نداشت، این بار مخبر کمیسیون لازم دید یادآور شود که «همه دنیا، همه اروپا و آمریکا فاسد نیستند این جور قضاوت نکنید من در آمریکا جایی را سراغ دارم که گوشت خوک نمی‌خورند، مشروب نمی‌خورند، سیگار نمی‌کشند، ربا نمی‌خورند و مسیحی هم هستند و در آنجا افرادی تربیت شدند در همان جا مسلمان شدند به دلیل این که زمینه آنجا مذهبی است... این طور قضاوت نکنید بگذارید از نظر علمی سطح ما بالا برود».<sup>۲۷</sup> هر چه استدلال موافقان برابری دقیق‌تر و مشخص‌تر می‌شد، استدلال مخالفین بیشتر رنگ می‌باخت و کنه استدلال مخالفین یعنی پافشاری بر نیاز زن به قیم بیشتر می‌شد. اکثر مخالفین مدعی حفاظت از «کیان زنان»، «دلسوزی برای خانم‌ها» و «حفاظت آنان از ابتلا به بیماری روحی به علت فشار روحی و جسمی» بودند. به همین جهت است که خانم بهروزی با تلخی یادآور این مسئله می‌شود که «هنوز هستند کسانی که دیدگاه بسیار تنگی نسبت به زن دارند و گمان می‌کنند زن ناقص‌العقل است و باید مثل یک محجور و صغیر حفظش کرد».<sup>۲۸</sup> موافق و مخالف چندان از هم فاصله گرفتند که یکی سبب اصلی طرح این اصلاحیه را نگرانی از نوشته‌های روزنامه‌های خارجی و گفته‌های رادیوهای بیگانه مبنی بر ضایع شدن حقوق زن در ایران دانست<sup>۲۹</sup>، حال آنکه دیگری فراهم آوردن شرایط برابر برای آنکه زن و مرد به فریضه دینی طلب علم بپردازند<sup>۳۰</sup> را جزو وظایف نمایندگی خود می‌دانست. هر چه مباحث پیشتر می‌رفت تفاوت‌ها آشکارتر می‌گشت. زنان سخنران احساس می‌کردند که علی‌رغم تمام آشتی‌جویی و سازگاری‌شان، با دیواری از کژ فهمی و عناد روبرو هستند. می‌دانیم که طراحان اصلاحیه برای خنثی ساختن استدلال‌های مربوط به «گمراهی» و «آلودگی» و انواع و اقسام «دام‌هایی که گویی فقط برای زنان مجرد در خارج از کشور وجود دارد شرط سنی بالاتر از ۲۸ سال را پذیرفتند. در عوض، مخالفان اصلاحیه آنها را در مقابل این سوال قرار دادند که «دختر خانمی که تا ۲۸ سالگی از دواج نکرده و درس می‌خواند اجازه می‌دهید که به خارج برود تا دکترا بگیرد، برگردد بعداً بنیان خانواده‌ای که این دختر خانم تشکیل خواهد داد چقدر محکم خواهد بود؟ کدام بچه را تربیت خواهد کرد؟»<sup>۳۱</sup> گویی اصلاً بحث نه بر سر دانش و ارتقاء علمی از یک سو و فسادپذیری و انحراف از سویی دیگر بوده است و زنان فقط در ارتباط با تشکیل



خانواده‌ای که معلوم نیست چرا دانش زن، کمتر از سن او در خوشبختی آن مؤثر است، ارزیابی می‌شوند؟ بدین صورت و با روبرو شدن با این تفکرات بود که زنان سخنران مجلس بر نیت خیر همکاران خویش تردید کردند و آنان را در مقابل این سؤال قرار دادند که «چرا از آن زمانی که زنان شهید می‌دهند و در میدان‌ها می‌ایستند و از اسلام دفاع می‌کنند سخنی نمی‌گوئیم؟ آیا اینها فقط باید برای تبلیغات باشد؟ ما در موقع عمل، عملاً باید نشان بدهیم که واقعاً برای زنان ارزش قائل هستیم، برای زنان رشد قائل هستیم».<sup>۳۲</sup> اما در عمل اثبات شد که آنچنان تفاوتی در دیدگاه‌های مختلفی که همگی خود را مقید به اسلام می‌دانند وجود دارد که برای یکی عدم اعزام زنان مجرد غیر قانونی و غیر شرعی است حال آنکه برای دیگری حفاظت از آبروی کشور و کیان اسلام.

\*\*\*\*\*

به هنگام بحث پیرامون کلیات لایحه در دوره دوم مجلس، موافقین وضع قانون یکسان برای زن و مرد به این نتیجه رسیدند که با مخالفان برابری، تفاوت بنیادی بر سر تفسیر قانون اساسی دارند. خانم بهروزی به درستی یادآور شده بود که این عدم برابری «موجب نقض قانون اساسی است که [بنابه آن] زن و مرد با هم یکسانند».<sup>۳۳</sup> در مجلس چهارم آگاهی به وجود تفاوت اساسی در دیدگاه‌های موافق و مخالف شامل اسلام نیز شد. خانم نوبخت وظیفه خود دید که بگوید: «اساساً تضییق حقی که در جامعه ما وجود دارد... از چشم اسلام و احکام آن نباید دید بلکه ناشی از بینش‌ها، تفکرات و برداشت‌هایی است که افراد به صورت آزادانه از احکام اسلام دارند».<sup>۳۴</sup>

بدین ترتیب پیرو مبارزه سیاسی آشکار و قانونی که در مجلس شواری اسلامی پیرامون مسئله مشخص و ملموس اعزام دانشجویان به خارج از کشور صورت گرفت جامعه در تجربه‌ای وارد شد که نتیجه آن تمایز دیدگاه‌ها و گرایش‌های آن بود. بحث اعزام یا منع اعزام زنان مجرد به خارج از کشور که سریعاً بحث حقوق برابر زن و مرد در جامعه را به میان کشید نشان داد که هنگامی که مسئله عینیت بخشیدن به آرمان‌های توده‌های شرکت‌کننده در انقلاب یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی مطرح

می‌شود، این برنامه‌های عمل هستند که می‌توانند موضوع وحدت‌ها، اتحادها و ائتلاف‌ها باشد و نه بازگویی آن آرمان‌ها. همین تمایزیابی است که وضع عینی و توانائی‌های جامعه را آشکار می‌سازد و قوانین و مقررات چنانچه بخواهند وجهه عملی خود را حفظ کرده و امر تنظیم حیات اجتماعی را به عهده بگیرند می‌بایست بازتابی از این وضعیت عینی باشند. به یاد می‌آوریم که چگونگی پذیرش داوطلب‌های نمایندگی و نیز تعیین این پذیرش از موضوعات حساسی بود که وسیعاً در جامعه ما پیش از

## هنگامی که مسئله عینیت

### بخشیدن به

### آرمان‌های

### توده‌های

### شرکت‌کننده

### در انقلاب

### مطرح

### می‌شود، این

### برنامه‌های

### عمل هستند که

### می‌توانند

### موضوع

### وحدت‌ها،

### اتحادها و

### ائتلاف‌ها

### باشند.



انتخابات مجلس چهارم به بحث گذاشته شد. با توسل به قید التزام عملی به اسلام که یادگار مجلس های پیشین بود و تأکید بر نظارت استصوابی شورای نگهبان سعی هایی جدی در یکدست کردن مجلس به عمل آمد. با مروری که در اینجا بر تجربه گوشه ای از مبارزات زنان در مجلس انجام شد بی اهمیت بودن آن همه اتلاف وقت و انرژی برای یکدست کردن آشکار شد، و این تلاش در مقابله با مسائل واقعی اجتماعی و تمایزات اساسی یعنی تمایز بین دیدگاه های زن ستیز و مدافع حقوق برابر زنان رنگ باخت.

گفتگو ۱۴

## یادداشت ها

۱- مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - دوره اول - جلسه ۶۱۷، روزنامه رسمی، شماره

۱۱۴۴۳، ص ۲۴.

۲- همان جا.

۳- همان جا.

۴- همان جا صص ۲۴ و ۲۵.

۵- همان جا ص ۲۵.

۶- همان جا.

۷- همان جا ص ۲۸.

۸- همان جا ص ۳۰.

۹- همان جا.

۱۰- همان جا ص ۲۸.

۱۱- همان جا ص ۳۱.

۱۲- مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - دوره اول، جلسه ۳۳، روزنامه رسمی، شماره

۱۱۵۴۵، ص ۳۵.

۱۳- همان جا ص ۳۲.

۱۴- همان جا ص ۳۰.

۱۵- همان جا.

۱۶- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۱۱۹، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۷۲۹، ص

۳۲.

۱۷- همان جا ص ۳۳.

۱۸- همان جا.





۱۹- همان جا ص ۳۴ .

۲۰- همان جا .

۲۱- زن روز، شماره ۱۲۸۴، ۶۹/۷/۷ ص ۶ .

۲۲- همان جا .

۲۳- همان جا ص ۷ .

۲۴- همان جا ص ۸ .

۲۵- متأسفانه کمترین نشانه ای از سرنوشت این طرح اصلاحی در دوره سوم مجلس به دست نیامد . در هیچ یک از مشروح های مذاکرات مجلس در روزنامه رسمی در تاریخ یاد شده و هفته های پس از آن اشاره ای نه به اعلام وصول این طرح می بینیم و نه صحبتی از مشروح مذاکرات در این خصوص می شود . در مصاحبه شخصی با خانم وحید دستجردی که نماینده دوره چهارم مجلس می باشند ایشان به ارسال این طرح در کمیسیون و تأیید آن توسط همین کمیسیون اشاره می کنند اما ایشان نیز بحث نشدن آن در مجلس را یادآور می شوند، به هر حال عین همین طرح بدون کم و کاست در دوره چهارم مجلس مطرح شد که بحث آن در ادامه مقاله آمده است .

۲۶- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی - دوره چهارم . اجلاس دوم، جلسه ۱۳۲ روزنامه رسمی، شماره

۱۴۱۱۱، ص ۲۴ .

۲۷- همان جا ص ۳۳ .

۲۸- همان جا ص ۳۰ .

۲۹- آقای سید فرجه الله افزیده .

۳۰- خانم وحید دستجردی .

۳۱- همان جا صص ۳۱-۳۲ .

۳۲- همان جا ص ۳۱ .

۳۳- مشروح مذاکرات ... دوره دوم ... ص ۳۴ .

۳۴- مشروح مذاکرات ... دوره چهارم ... ص ۲۹ .

شهرت کلام انسانی و مطالعات فرهنگی

زبان طاهره انسانی

گفتگو ۱۵